

تأثیر شاخص حکمرانی بر تورم در کشورهای منتخب G77

ابوالفضل شاه‌آبادی، بهزاد امیری و مهسا گنجی *

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۳۰

چکیده:

تورم یکی از متغیرهای کلان اقتصادی است که همواره در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی بطور ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد و می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از پدیده‌های نامطلوب اقتصادی-اجتماعی مانند فقر، نابرابری و فساد باشد. در بررسی عوامل پدیده آورنده و کنترل‌کننده تورم مباحث زیادی صورت گرفته است و عواملی از جمله متغیرهای پولی، مازاد تقاضا و عوامل ساختاری ذکر می‌شود. یکی از عواملی که می‌تواند بطور ویژه، کنترل‌کننده و حتی کاهنده تورم باشد، متغیر شاخص نهادی حکمرانی است که از طریق راه‌هایی مانند ایجاد ثبات در اجرای قوانین، ایجاد اطمینان خاطر در میان فعالین اقتصادی، کاهش فساد و رانت‌خواری می‌تواند باعث کاهش تورم گردد. در همین راستا در این مطالعه تأثیر شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ تورم در میان کشورهای منتخب عضو جنبش عدم تعهد طی بازه ۱۹۹۶-۲۰۱۵ بررسی شده است. نتایج نشان‌دهنده تأثیر منفی و معنی‌دار شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ تورم است. همچنین تأثیر متغیرهای تورم انتظاری، تفاوت نرخ رشد نقدینگی با نرخ رشد اقتصادی و متغیر ثروت‌های طبیعی بر نرخ تورم مثبت و معنی‌دار است. تأثیر اثرات متقابل متغیرهای شاخص نهادی حکمرانی و ثروت‌های طبیعی نیز بر نرخ تورم مثبت و معنی‌دار است..

طبقه‌بندی JEL: C23، E31، Q32

واژه‌های کلیدی: تورم، شاخص نهادی حکمرانی، فراوانی منابع طبیعی، کشورهای عضو گروه عدم تعهد

* به ترتیب، دانشیار (نویسنده مسئول) گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک و کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
(shahabadia@gmail.com)

۱- مقدمه

تورم از جمله شاخص‌های چالش برانگیز اقتصادی است و همواره بعنوان یکی از بزرگترین معضلات اقتصادی محسوب می‌گردد. تورم را می‌توان تداوم و عمومیت افزایش قیمت‌ها دانست. از این رو افزایش ناگهانی قیمت‌ها و همچنین افزایش قیمت یک یا چند کالای خاص، نشان دهنده تورم نمی‌باشد (دلآوری و رفیعیان، ۱۳۹۱). تورم مشکلی جهانی است که اکثر کشورها با آن مواجه هستند، لیکن در کشورهای در حال توسعه، به دلیل موقعیت این کشورها در اقتصاد جهانی و نیز دلیل ساختار اقتصادی آنها، تورم به شکل حادثی بروز می‌نماید. تورم در نتیجه عوامل متنوع و متعدد دولتی و غیردولتی، ساختاری و غیرساختاری بروز می‌نماید و در پی بروز آن، اقتصاد درگیر مشکلات فراوانی می‌گردد که از جمله آنها می‌توان به ناتوانی بازار در تخصیص بهینه منابع، کسری تراز پرداخت‌های خارجی، کاهش پس‌انداز، زیان گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی، کاهش قدرت رقابتی بنگاه‌های داخلی و کسری بودجه اشاره کرد (معاونت اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶). تورم بالا و بی‌ثبات، علاوه بر آثار زیانبار مذکور، نهایتاً می‌تواند به بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی منجر گردد. زیرا صرف‌نظر از جنبه اقتصادی، تورم دارای آثار و ابعاد سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای است و با زندگی تمام افراد جامعه، ارتباط مستقیم و روزمره دارد. لذا شناخت عوامل موثر در بروز تورم و راهکارهای مقابله با آن نه تنها منجر به گسترش و بسط عدالت اجتماعی در جامعه می‌گردد، بلکه گامی مهم در جهت ثبات اقتصادی و ایجاد شرایط مناسب برای رشد اقتصادی مستمر و باثبات محسوب می‌شود. بنابراین شناخت عوامل کلیدی موثر بر تورم جهت کنترل این معضل، امری ضروری است و تحلیل و پیش‌بینی تورم به منظور سیاست‌گذاری برای کنترل و کاهش آن، نیازمند شناخت اساسی ساختار اقتصادی و ساختار نهادی است. کنترل تورم تنها در گرو بهبود تنظیم سیاست‌های پولی و عوامل اقتصادی نیست، بلکه تورم پدیده‌ای است که به شدت تحت تاثیر فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور قرار دارد. لذا بهبود شرایط کلی جامعه جهت کنترل تورم امری ضروری است. از جمله شاخص‌های نهادی که عموماً شرایط کلی حاکم بر جامعه را مشخص می‌نماید، شاخص نهادی حکمرانی است. هدف این مطالعه بررسی تأثیر شاخص نهادی حکمرانی بر تورم کشورهای منتخب گروه عدم تعهد است. در همین راستا از میانگین شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی که توسط

محققان بانک جهانی کافمن و همکاران ارائه می‌گردد، استفاده می‌شود. این شش شاخص عبارتند از ۱- شفافیت و پاسخگویی (این مؤلفه آگاهی، درک و میزان توانایی شهروندان کشور به منظور مشارکت در انتخاب دولت، آزادی بیان، آزادی احزاب و انجمن‌ها و همچنین آزادی رسانه را می‌سنجد). ۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت (این مؤلفه آگاهی از احتمال اینکه دولت بر خلاف قانون اساسی و یا ابزارهای خشونت آمیز از جمله خشونت‌های با انگیزه سیاسی (مثلاً جنگ و یا کودتا) و تروریست بی‌ثبات و یا سرنگون شود را نشان می‌دهد). ۳- اثربخشی دولت (این مؤلفه آگاهی از کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات کشوری و درجه آزادی و استقلال این خدمات از فشارهای سیاستی، کیفیت تنظیم، تدوین و اجرای سیاست‌ها و همچنین اعتبار تعهد و التزام دولت به چنین سیاست‌هایی را نشان می‌دهد). ۴- کیفیت تنظیم‌گری مقررات (این مؤلفه آگاهی از توانایی‌های دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های شفاف و همچنین مقرراتی که جوازها و توسعه بخش خصوصی را ارتقا می‌دهد را شامل می‌شود). ۵- تأمین قضایی (این مؤلفه درک و آگاهی از اینکه عوامل اقتصادی به چه میزان بر قوانین جامعه به ویژه کیفیت اجرای قردادها، حقوق دارایی‌ها، پلیس و دادگاه‌ها و نیز احتمال جرم و خشونت اطمینان، ایستادگی و وفاداری دارند را نشان می‌دهد). ۶- کنترل فساد (این مؤلفه درک اینکه آیا قدرت عمومی در جهت تأمین منافع خصوصی اعمال شده است را افزایش می‌دهد و اشکال جزئی و کلی فساد و نیز تصرف و تسخیر دولت به وسیله نخبگان سیاستی و علائق خصوصی سیاستمداران را در بر می‌گیرد) (بانک جهانی^۱ ۲۰۱۲).

پس از تبیین اهمیت کاهش تورم و لزوم توجه به شاخص حکمرانی، سؤال این تحقیق به این صورت مطرح می‌شود که شاخص حکمرانی چه تأثیری بر تورم در کشورهای عضو گروه عدم تعهد دارد. در همین راستا فرضیه زیر مطرح می‌شود مبنی بر اینکه بهبود شاخص حکمرانی، تورم را کاهش می‌دهد.

ادامه مقاله به اینصورت است که پس از مقدمه در بخش اول، ادبیات موضوع تأثیر شاخص نهادی حکمرانی بر تورم ذکر می‌شود. در بخش سوم مدل مورد استفاده در این مطالعه تبیین و متغیرها معرفی می‌گردد. در بخش چهارم، مدل

¹ World Bank

برآورد و نتایج تحلیل می‌شود و در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی ارائه می‌شود.

۲- ادبیات موضوع

۲-۱- مبانی نظری

همانطور که در مقدمه ذکر شد از متغیرهای شش‌گانه حکمرانی که توسط بانک جهانی ارائه می‌شود، استفاده می‌گردد. در همین راستا، در ادامه نحوه تأثیرگذاری هر کدام از این شاخص‌ها بر تورم بررسی می‌شود.

شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی بیانگر آن است که دولت و کلیه گروه‌های دخیل در تصمیم‌گیری‌های دولتی تا چه اندازه نسبت به عملکرد خویش در برابر مردم پاسخگو هستند. همچنین بررسی می‌نماید آیا انتخابات عادلانه، آزادی مشارکت سیاسی، آزادی احزاب و آزادی رسانه‌ها به اندازه کافی وجود دارد؟، آیا سیستم سیاسی به اندازه کافی شرایط لازم را برای انتقال نظرات مردم به نمایندگان و کارگزاران دولتی فراهم آورده است؟ و آیا افراد و بنگاه‌های اقتصادی از تصمیمات دولتی که آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد به موقع و بطور کامل آگاه می‌شوند؟ از آنجا که کلیه بازارهای اقتصادی با یکدیگر در ارتباط هستند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند، لذا در صورت بروز عدم تعادل در یک بازار و عدم کنترل و اصلاح آن بازار، این عدم تعادل به دیگر بازارها سرایت می‌نماید و در نهایت می‌تواند منجر به افزایش عمومی قیمت‌ها و بروز پدیده تورم گردد. بنابراین دولت از کانال اقتصاد دانش بنیان و بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و اتحاد استراتژی‌های متناسب و کارا، چه بسا قادر خواهد بود فضای کلی حاکم بر اقتصاد را مدیریت نماید. از جمله شاخص‌های حکمرانی خوب، شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی است. اقتصاد در صورت برخورداری از دولتی پاسخگو همراه با عملکرد اقتصادی شفاف، اعتماد ملت را بیشتر جلب می‌نماید و در صورت مواجه شدن با شوک و بحران‌های اقتصادی، راحت‌تر قادر به کنترل اقتصاد و رفع عوامل بی‌ثباتی نظیر تورم مخرب می‌باشد (ویلیامز^۲، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر در جوامع مبتنی بر وجود حق اظهارنظر توسط عموم مردم و در مقابل انتشار پاسخی مدلل و شفاف از سوی حکمرانان، نه تنها شبهه‌ای در تضعیف نقش و تعهد دولت در اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی پیش

² Williams

نخواهد آمد، بلکه از بروز مشکلات پسین و تضعیف سایر شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله بروز بیکاری، افزایش فقر، افزایش فساد، بی‌ثباتی سیاسی و ... نیز جلوگیری می‌نماید. عموماً روند قیمت برخی کالاها نوسانی به سمت بالا است، گاهی ممکن است در اثر بوجود آمدن برخی مشکلات اقتصادی، این نوسانات اوج گیرد. اگر چه ممکن است این افزایش قیمت‌ها کوتاه‌مدت باشد و یا به عبارتی قیمت‌های حبابی شکل گیرد، ولیکن دولت از کانال شفاف‌سازی عملکرد سیستم اقتصادی و تبیین استراتژی‌های اتخاذی آتی جهت کنترل تورم و توضیح علت وقوع تورم، قادر خواهد بود وضعیت اقتصادی را سر و سامان بخشد و از تداوم تورم جلوگیری نماید (دادگر و نظری^۳، ۲۰۱۲).

از دیگر شاخص‌های تعیین کننده حکمرانی خوب، ثبات سیاسی است. توسعه اقتصادی فراگیر در بلندمدت نیازمند یک محیط پایدار و امن به منظور شکل‌گیری مناسب و بهینه فعالیت‌های اقتصادی است. شاخص ثبات سیاسی بیشتر به این موضوع می‌پردازد که کاهش قدرت مرکزی، تضادهای فرهنگی و قومی، دخالت‌های نظامی خارجی، اعتراضات سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی تا چه حد ثبات سیاسی کشور را به خطر می‌اندازد (گیسلکوویست^۴، ۲۰۱۲). شاخص ثبات سیاسی شاخصی بینابین بهبود عملکرد سیاسی و عملکرد اقتصادی دولت می‌باشد. دولتی همراه با اهداف روشن و باثبات و با اتخاذ برنامه‌های اقتصادی بر پایه اصول اقتصاد دانش بنیان، با تغییر دولت‌های پی در پی نیز با مشکلاتی نظیر تضعیف عملکرد دولت که در افت شاخص‌های حکمرانی خوب و تشدید شاخص‌های بی‌ثباتی نظیر نوسانات نرخ ارز، تورم انتظاری فزاینده و افزایش بی‌رویه نرخ رشد نقدینگی نمایان می‌گردد، مواجه نمی‌شوند و در نهایت مشکلات ریشه‌ای در اقتصاد نظیر تورم دائمی و مخرب بوجود نمی‌آید (عدنان و همکاران^۵، ۲۰۱۱). در صورت بروز بی‌ثباتی سیاسی، کنترل دولت در تمامی جهات از جمله سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تضعیف می‌گردد. حتی می‌توان بیان داشت از جمله علل اصلی ایجاد اکثر رانت‌خواری‌ها و نوسانات شدید شاخص‌های کلان اقتصادی و شاخص‌های نرخ ارز و نرخ رشد نقدینگی، بروز پدیده بی‌ثباتی سیاسی است. در صورت عدم تطبیق برنامه‌ها و استراتژی‌های دولت‌های پی در پی، بروز بی‌ثباتی در روند شاخص‌های کلان

³ Dadgar and Nazari

⁴ Gisselquist

⁵ Adnan et al.

اقتصادی را شاهد خواهیم بود، چرا که در صورت عدم تطبیق برنامه‌های بلندمدت دولت‌ها، ممکن است تورم کوتاه‌مدت طی یک دوره به تورم‌های فزاینده و مداوم طی دوره‌های آینده تبدیل گردد. (همان منبع).

از دیگر شاخص‌های حکمرانی خوب شاخص اثربخشی دولت است. عواملی که می‌توانند بر میزان اثربخشی دولت تاثیرگذار باشند عبارت‌اند از میزان استفاده از مهارت‌های فنی و کاری مدیران رده‌های میانی و بالایی، میزان کارایی دیوان سالاری دولت، میزان اثربخشی دولت در جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولتی، توانایی دولت در اجرای نوآوری‌های سیاستی ملی، تدوین به موقع بودجه‌های سالانه، میزان توانایی دولت در کنترل روندها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، توانایی دولت در ایجاد زیرساخت‌های ملی، توانایی دولت در حل مشکلات اقتصاد داخلی، چگونگی عملکرد سیستم‌های نهادی حاکم، کیفیت خدمات مدنی و میزان توانایی دیوان‌سالاری در ارائه خدمات مدنی بدون تاثیر پذیرفتن از تغییرات سیاسی و جابه‌جایی‌های صورت پذیرفته در قدرت سیاسی و ... (شیوجی، ۲۰۰۳). قابل ذکر است دولت از کانال تنظیم هماهنگ برنامه‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی با افق بلندمدت در راستای تحقق اقتصاد دانش بنیان، کارایی عملکرد خود را افزایش داده و کشور با مشکلاتی اعم از تورم و عدم تعادل اقتصاد کلان مواجه نمی‌گردد. بدیهی است دولتی همراه با کارایی و اثربخشی بالا، اقتصاد را در مسیر بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی هدایت می‌نماید و از طریق تخصیص بهینه منابع، استفاده حداکثری از ظرفیت‌های بالقوه جامعه، کنترل نوسانات نرخ ارز و نقدینگی، اقتصاد شاهد تنظیم مناسب کلیه بازارها و کنترل قیمت‌ها خواهد بود و از بروز پدیده‌هایی نظیر تورم مخرب ممانعت بعمل می‌آید.

همچنین بایستی خاطرنشان گردد بهبود و ارتقای کیفیت تنظیم قوانین و مقررات نیز از جمله شاخص‌های مطرح حکمرانی خوب می‌باشد. شاخص کیفیت قوانین و مقررات بررسی می‌نماید که آیا دولت‌مردان نیز همانند شهروندان در برابر قانون یکسان هستند؟ هزینه‌های مترتب بر اقدام به جرم در جامعه چه مقدار است؟ پیمان‌ها و تعهدات دولتی تا چه حد قابلیت اجرا دارند؟ قراردادهای بخش خصوصی تا چه حد قابلیت اجرا دارند؟ وضعیت جرایم توأم با خشونت و جرایم سازمان‌دهی شده چگونه می‌باشد؟ آیا اصل عدالت و انصاف در سیستم قضایی و

⁶ Shivji

اصل سرعت در اجرای مراحل قضایی رعایت می‌گردد؟ وضعیت اقتصاد زیرزمینی، تضمین حقوق مالکیت، پول‌شویی و جرایم مالی به چه صورت است؟ آیا سیستم قضایی از استقلال کافی برخوردار است؟ آیا دولت یا سایر افراد می‌توانند بر فرآیند قضاوت و نحوه تصمیم‌گیری تأثیرگذار باشند؟ استقلال سیستم قضایی تا چه حد مورد توجه قرار می‌گیرد؟ قابلیت اعتمادپذیری سیستم قضایی، تضمین اجرای تصمیمات قضایی، هزینه‌ها و محدودیت‌هایی که جرایم عمومی و سازماندهی شده بر فرآیند اجرایی فعالیت‌های اقتصادی تحمیل می‌نمایند را نیز مورد بحث و چالش قرار می‌دهد. همچنین عواملی نظیر کیفیت عملکرد پلیس و فرار مالیاتی نیز شاخص حاکمیت قانون را تحت تأثیر قرار می‌دهند (آندریوز^۷، ۲۰۰۸). دولت و سیاستمداران اقتصادی از کانال تدوین قوانین و مقررات اثربخش، پایبندی به قوانین و اجرای دقیق قوانین و ایجاد سیستم قضایی مستقل، نه تنها با کاهش تخلفات، جرایم اقتصادی، حمایت مکفی از حقوق مالکیت و ممانعت از تضعیف حق و حقوق افراد جامعه، امنیت اقتصادی را حکم‌فرما خواهند نمود، بلکه با تصویب قوانین کارا و بهینه، زیربنایی اصولی و پایدار جهت تداوم فعالیت‌های اقتصادی بوجود می‌آورند. لذا در صورت بهبود کیفیت قوانین و مقررات اتخاذی، اقتصاد در مسیر تزلزل قرار نخواهد گرفت، کلیه عوامل اقتصادی و بازارها رویه باثبات و متناسبی را طی می‌نمایند و از بروز نوسانات قیمت‌هایی نظیر نرخ ارز و نقدینگی و تشکیل قیمت‌های حبابی و رانت‌خواری که به بروز تورم می‌انجامد، ممانعت به عمل می‌آید (مینیا و ویلیو^۸، ۲۰۰۸).

فساد سیستم سیاسی، اثرات زیانباری بر انحرافات محیط اقتصادی و مالی و در نتیجه کارایی دولت خواهد داشت. گسترش بوروکراسی در دیوان سالاری‌ها زمینه بروز فساد را بیش از پیش فراهم می‌نماید، پرداخت‌هایی که برای تأثیر بر فرآیند قانونگذاری انجام می‌شود، عدم اعتماد عمومی به درستکاری مالی سیاستمداران، پرداخت‌هایی که برای دستیابی به مجوزهای صادراتی و وارداتی همچون فرار مالیاتی صورت می‌پذیرد، استفاده سیاستمداران از بودجه عمومی و در نهایت پرداخت‌های غیرقانونی که توسط افراد بانفوذ و همچنین انحصارات در جهت زیان سایر بنگاه‌ها صورت می‌گیرد از جمله عوامل مهمی هستند که تعیین

⁷ Andrews

⁸ Minea and Villieu

کننده وضعیت شاخص کنترل فساد می‌باشند (کافمن و همکاران^۹ (۲۰۰۷)). بنابراین از دیگر شاخص‌های مهم حکمرانی خوب به منظور جلوگیری از بی‌ثباتی و بروز تورم همانا شاخص مهار فساد می‌باشد. رواج فساد در اقتصاد مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فراوانی را به همراه می‌آورد. جلوگیری از فساد بر پایه اتکاء به قوانین و مقررات، امنیت و ثبات اقتصاد کلان را در کلیه بخش‌های اقتصادی و کلیه بازارها فراهم می‌آورد، راه کسب منفعت غیر قانونی را بر سودجویان می‌بندد و از بروز اقتصاد زیرزمینی، انحراف و هرز منابع، احتکار کالاها، بخصوص کالاهای ضروری جلوگیری می‌نماید و فضای رانت‌خواری را بر سودجویان می‌بندد، لذا از طریق ریشه‌کن نمودن راه‌های فساد، انحراف کلیه بازارها و نوسانات نرخ ارز و رشد بی‌رویه نقدینگی و بطورکلی انحراف کلیه قیمت‌ها که مهم‌ترین عملگرهای اقتصادی هستند و نهایتاً افزایش ناگهانی و همه‌گیر قیمت‌ها رخ نخواهد داد.

۲-۲- پیشینه تحقیق

محمد سامی و ساسی^{۱۰} (۲۰۱۶) با استفاده از داده‌های ۱۰۰ کشور توسعه یافته و درحال توسعه از پنج منطقه امریکا، اروپا، منا، زیرصحرای افریقا و کشورهای آسیایی حاشیه اقیانوس آرام، طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ با استفاده از چندین روش تخمین و استفاده از مدل‌های مختلف ارتباط بین فساد و تورم را بررسی می‌کنند. نتایج این مطالعه حاکی از آنست که کشورهای با فساد بالاتر و حکمرانی بد (دیکتاتوری) دارای سیاست‌های گسترده انبساط پولی برای کسب درآمد بیشتر هستند که این امر منجر به نرخ‌های تورم بالاتر می‌شود.

ساسی و امیرا^{۱۱} (۲۰۱۶) با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری داده‌های ترکیبی برای ۱۸۰ کشور طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۴ به بررسی ارتباط دوطرفه بین تورم و فساد می‌پردازند. نتایج مطالعه بر وجود ارتباط دوطرفه بین تورم و فساد در کشورهای مذکور دلالت دارد.

^۹ Kaufman et al

^{۱۰} Mohamed Sami and Sassi

^{۱۱} Sassi and Amira

خانی هولاری و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۴) به بررسی تعیین کننده‌های پول و غیر پولی تورم در ایران طی بازه ۱۹۵۹ تا ۲۰۱۰ می‌پردازند. از جمله تعیین کننده‌های غیر پولی مورد بررسی در این مطالعه می‌توان به بی‌ثباتی سیاسی و شاخص‌های حکمرانی اشاره نمود. نتایج مطالعه حاکی از ارتباط مثبت متغیرهای بی‌ثباتی سیاسی و حکمرانی با نرخ تورم در ایران است.

دادگر و نظری (۲۰۱۲) در بررسی رابطه بین شاخص فلاکت و رشد اقتصادی و همچنین اثر حکمرانی خوب را بر شاخص فلاکت در دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۷۴ در کشور جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه می‌رسند که رشد اقتصادی رابطه منفی با شاخص فلاکت دارد و ارتباط معناداری بین نوع حکمرانی و شاخص فلاکت وجود دارد.

آسونگو^{۱۳} (۲۰۱۲) به بررسی اثرات سیاست‌های اتخاذی بر قیمت مصرف کننده در ۳۴ کشور آفریقایی طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۸۰ پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد در مقایسه با رژیم‌های اقتدارگرا، رژیم‌های دموکراتیک، نهادهایی همراه با کنترل بهتر قیمت‌ها را دارا هستند. بعنوان یک توصیه سیاستی نیز بیان داشته است ارتقاء کیفیت نهادهای دموکراتیک، رفاه مصرف کننده را از طریق نرخ‌های پایین تورم، افزایش می‌دهد. خان و ثاقب^{۱۴} (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ای تاثیر بی‌ثباتی سیاسی را بر ایجاد تورم در پاکستان، طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۵۱، بررسی نموده‌اند و در این مطالعه به دنبال یافتن عوامل پولی و غیر پولی تورم و بی‌ثباتی قیمت‌ها در پاکستان می‌باشند. ظرفیت و اثربخشی دولت برای مدیریت اقتصاد از عوامل غیرپولی تورم هستند و نشان داده شده است تاثیر عوامل غیر پولی موثر بر تورم نسبت به عوامل پولی بسیار نافذتر می‌باشد. از دیگر نتایج قابل توجه در این مطالعه که موکد بر نقش بسزای شاخص بی‌ثباتی سیاسی بر بروز تورم می‌باشد، بیان شده است بحران‌های سیاسی بهتر از تغییرات قیمت نفت می‌توانند تورم را در پاکستان توجیه نماید. نتایج این مطالعه نشانگر آن است که هرگونه تلاش در راستای تثبیت تورم در پاکستان با شکست مواجه خواهد شد، مگر اینکه اصلاحات سیاسی با هدف‌گذاری کاهش بحران‌های دولتی و تغییر کابینه‌ها و یا به عبارت دیگر ایجاد محیط امن و باثبات سیاسی انجام گردد.

¹² Khani Hoolari and et al.

¹³ Asongu

¹⁴ Khan and Saqib

عدنان و همکاران (۲۰۱۱) به مطالعه شاخص‌های تضعیف حکمرانی خوب نظیر بی‌ثباتی سیاسی و فساد اداری بر شاخص تورم و رشد اقتصادی طی دوره ۲۰۱۱-۱۹۵۰، در پاکستان پرداخته‌اند. محققین تورم را نتیجه تفاوت‌های ایدئولوژیک گروه‌های سیاسی که یکی پس از دیگری به قدرت می‌رسند بر می‌شمرند. نکته سیاستی و قابل توجه این مطالعه آن است که سیاست‌گذاران در موارد خاصی با استفاده از بی‌ثباتی‌ها، تورم بالاتری را به بار می‌آورند. همچنین فساد بالا همراه با حاکمیت ضعیف باعث بوجود آمدن تورم بالا و رشد اقتصادی پایین می‌گردد.

رحمانی و یوسفی^{۱۵} (۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های ۹۷ کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه طی بازه زمانی ۲۰۰۳-۲۰۰۵ به این نتیجه می‌رسند که یکی از تعیین‌کننده‌های تورم، فساد است.

مینیا و ویلیو (۲۰۰۸)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "آیا هدف‌گذاری تورم منجر به بهبود کیفیت نهادها در کشورهای در حال توسعه می‌گردد"، بیان داشته‌اند این گزاره که رژیم پولی سخت و خشک نمی‌تواند دولت را به بهبود کیفیت نهادها وادار نماید، هم از لحاظ تجربی و هم از لحاظ تئوری بحث برانگیز است. نتایج مطالعه حاکی از آن است که همراه با توسعه مالی، دولت جهت بهبود کیفیت نهادها، تلاش بیشتری می‌نماید. بنابراین کشورها با سطوح بالاتر توسعه مالی یا کیفیت نهادی بهتر، بطور متوسط از درآمدهای مالیاتی بالاتر و نرخ تورم و نرخ رشد پول کمتری برخوردار هستند. محققان در این مطالعه کیفیت نهادها را با دو شاخص اثربخشی دولت و حاکمیت قانون اندازه‌گیری نموده‌اند و نشان داده شده است ارتباط منفی بین توسعه بازار مالی و یا کیفیت نهادها و تورم وجود دارد. تولادهر^{۱۶} (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "ساختار حکمرانی و نقش بانک مرکزی در مورد هدف‌گذاری تورم"، بیان نموده است که هدف‌گذاری تورم، بازسازی نهادی و سازمانی بانک‌های مرکزی را درگیر می‌نماید. پژوهش حاضر ساختار حکومت و نقش نهادی تصمیم‌گیری در میان برخی از بانک‌های مرکزی که تورم را مورد هدف‌گذاری قرار داده‌اند، بررسی می‌نماید. نتایج تحقیق حاکی از آن است که شیوه‌های حکومت در پی تعادل دو معیار اصلی هستند: پاسخگویی دموکراتیک در

¹⁵ Rahmani and Yousefi

¹⁶ Tuladhar

راستای تحقق اهداف سیاست پولی که توسط بانک مرکزی برنامه‌ریزی شده است و اعطای قدرت مورد نیاز به بانک مرکزی جهت دستیابی به اهداف روشن با رویکردی معتبر و موثق. همچنین در رابطه با موضوع شفافیت نیز اذعان داشته است شفافیت عملکرد و ارتباطات عمومی به‌هنگام، بعلت نقش موثر آن در اعتباردهی به سیاست‌های اتخاذی و ایجاد انتظارات تورمی، بخش جدایی‌ناپذیر از سیاست هدف‌گذاری تورم می‌باشد. از طرفی نظارت بر عملکرد بانک مرکزی و پاسخگویی عمومی، درجه بالایی از شفافیت را تضمین می‌نماید.

المروهوبی^{۱۷} (۲۰۰۰)، در مطالعه‌ای عوامل سیاسی و اقتصادی تورم را بررسی نموده است. جامعه آماری این پژوهش ۴۱ کشور و دوره مطالعه سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۸۰ می‌باشد. وی بیان داشته است رابطه بین فساد و تورم یک پرسش تجربی است. در این مطالعه شاخص‌های استقلال بانک مرکزی، بی‌ثباتی سیاسی، سطح توسعه یافتگی و باز بودن اقتصادی بعنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده‌اند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که ارتباط مثبت و معنادار بین فساد و تورم وجود دارد.

قوام مسعودی و تشکینی (۱۳۸۴) به بررسی رابطه بلندمدت بین نرخ تورم و عوامل موثر بر آن در دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۳۸۱ پرداخته‌اند و بیان داشته‌اند تولید، شاخص قیمت کالاهای وارداتی، حجم نقدینگی و نرخ ارز از متغیرهای اثرگذار بر نرخ تورم در اقتصاد ایران می‌باشند. همچنین بیان داشته‌اند نظریه پولیون، نظریه فشار هزینه و نظریه ساختارگرایان هر یک قادرند بخشی از واقعیات اقتصاد ایران در ارتباط با تغییرات قیمت را تشریح نمایند.

امیری و چشمی (۱۳۸۳)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "محاسبه هسته تورم در ایران" بیان داشته‌اند با کمک مفهوم هسته تورم می‌توان سیاست‌هایی پیشنهاد نمود که بدون آسیب به تولید، تورم را کنترل نماید. براساس یافته‌های این مقاله برای مهار تورم بایستی نقش درآمدهای نفتی و نوسانات آن را در تعیین متغیرهای حقیقی مانند رشد اقتصادی و متغیرهای سیاست‌گذاری چون نقدینگی و مخارج دولت محدود نمود و از طریق متغیرهای سیاستی مثل مخارج عمومی و نقدینگی، تورم را مهار کرد.

¹⁷ Al-Marhubi

نصراصفهانی و یاوری (۱۳۸۲)، به تجزیه و تحلیل تاثیر متغیرهای اسمی و واقعی بر تورم در ایران پرداخته‌اند. متغیرهای رشد نقدینگی، رشد نرخ ارز، نرخ تورم و تورم انتظاری بعنوان متغیرهای اسمی و متغیر شکاف تولید ناخالص داخلی بعنوان متغیر واقعی در نظر گرفته شده‌اند. نتایج تخمین نشان می‌دهد ریشه تورم در ایران صرفاً پولی نبوده است و مزمن بودن تورم به متغیرهای واقعی نیز ارتباط دارد.

همچنین در خصوص عوامل موثر بر تورم از مناظر دیگر مطالعاتی انجام شده است که اشاره‌ای مختصر به آنها داریم. طیب نیا و زندیه (۱۳۸۸)، به بررسی اثرات فرآیند جهانی شدن بر تورم در ایران پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد: ۱. هر چه اقتصاد ایران بازتر باشد، انتظار می‌رود اثرپذیری تورم از ادوار تجاری داخلی کمتر شده و تورم نوسانات کمتری داشته باشد. ۲. افزایش قیمت نسبی کالاهای وارداتی همانند شوک عرضه در اقتصاد عمل کرده و تورم را افزایش می‌دهد. ۳. رونق و رکود شرکای تجاری ایران، از طریق تجارت به ایران نیز منتقل شده و تورم داخلی را متاثر می‌نماید.

بنابراین مطابق با مطالعات تجربی، شاخص حکمرانی خوب، اجزای نهادهای سیاسی شامل شفافیت و پاسخگویی، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، کنترل فساد، فساد و بی‌ثباتی سیاسی، اثربخشی دولت و حاکمیت قانون، سیاست‌های پولی و نقش دولت و بانک مرکزی در اتخاذ سیاست‌های پولی نیز بر تورم تأثیرگذار هستند. لذا در این مطالعه به بررسی تأثیر شاخص شاخص‌های ترکیبی حکمرانی خوب و شاخص‌های بی‌ثباتی نظیر تورم انتظاری، تفاوت نرخ رشد نقدینگی با نرخ رشد اقتصادی، نرخ ارز رسمی و همچنین فراوانی منابع طبیعی بر شاخص قیمت مصرف کننده می‌پردازیم.

۳- معرفی مدل و متغیرها

با توجه به اینکه ارائه مدل برای هر کشور یا گروهی از کشورها، باید با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها صورت گیرد، در ادامه به تبیین قرار دادن هر کدام از متغیرها در مدل خواهیم پرداخت.

تأثیرپذیری برخی متغیرهای اقتصادی از جمله تورم از مقادیر گذشته آن (تورم انتظاری)، پدیده‌ای معقول بنظر می‌رسد. اصلی‌ترین و مهم‌ترین زبان

اقتصادی ناشی از تورم که خود منجر به افزایش تورم می‌گردد، عدم اطمینان از مقدار تورم در دوره‌های آتی است. نااطمینانی تورمی فضایی است که در آن تصمیم فعالان اقتصادی اعم از خانوارها، بنگاه‌ها و یا بخش دولتی در زمینه‌های مختلف با نااطمینانی تورم آتی همراه است. نوسان تورم به عنوان معیاری از نااطمینانی تورم یکی از عوامل تعیین کننده تکرار تغییرات قیمتی در سطح خرده‌فروشی می‌باشد. در شرایطی که تورم آینده به نااطمینانی نسبت داده شود، بنگاه‌ها به شرایط و وضعیت اقتصادی در امر قیمت‌گذاری حساس شده و لحاظ کردن هزینه‌های تولید در بهای تمام شده کالاها و خدمات اهمیت اساسی می‌یابد. بنابراین شرایط اقتصادی اثر مهمی بر رفتار قیمت‌ها دارد، بطوریکه در شرایط تورمی و نااطمینانی، قیمت کالاها و خدمات به دفعات بیشتری از طرف بنگاه‌های تولیدی و توزیعی تعدیل می‌شوند (قلی‌بگلو، ۱۳۸۷). لذا فعالین اقتصادی با توجه به شرایط اقتصادی و نرخ‌های تورم سال‌های گذشته، تورم سال‌های آینده را پیش‌بینی نموده و انتظار تورم بالاتری را در ذهن خود دارند و همین تورم انتظاری منجر به بروز نرخ‌های تورم بالاتر می‌گردد. مهرا^{۱۸} (۲۰۰۴) و راونا و سپالا^{۱۹} (۲۰۰۷) در کار خود از این متغیر استفاده می‌کنند.

از جمله عوامل موثر بر تورم که مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است، تأثیر افزایش حجم پول بر تورم است. همچنین طرح این نکته ضروری می‌نماید که یکی از نظریات ارایه شده در خصوص علل تورم، نظریه پولیون می‌باشد. براساس این نظریه، تورم در بلندمدت یک پدیده پولی است. این ادعا بدان مفهوم است که رشد مستمر عرضه پول باعث ایجاد تورم می‌شود، از سویی نرخ بالای تورم نمی‌تواند مدتی طولانی بدون رشد پول ادامه یابد. براساس این نظریه تنها راه مهار تورم اقدام محدود کردن افزایش عرضه پول می‌باشد. تنها زمانی دستیابی به هدف ثبات قیمت‌ها ممکن است که عرضه پول با نرخ معادل نرخ رشد درآمد ملی واقعی رشد یابد (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۶). لازم به ذکر است که صرف افزایش پول موجب تورم نخواهد شد بلکه افزایش پولی می‌تواند باعث تورم شود که بدون پشتوانه تولید ایجاد شود. در همین راستا در مدل مورد نظر برای تورم، برای در نظر گرفتن این امر، تفاوت نرخ رشد نقدینگی با نرخ رشد اقتصادی در نظر

¹⁸ Mehra

¹⁹ Ravenna and Seppala

گرفته شده است. روفیا و زاقینی^{۲۰} (۲۰۰۷)، فورتون و وارگاس^{۲۱} (۲۰۱۲) و سائومیترا و راجا^{۲۲} (۲۰۱۲) در کارهای خود از این متغیر استفاده می‌کنند.

دیگر متغیر در نظر گرفته شده در مدل تورم، اثر وفور منابع طبیعی بر تورم است. در کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان، مدیریت اقتصاد کلان متفاوت با سایر کشورها می‌باشد و اکثر شاخصهای کلان اقتصادی از ثروت‌های طبیعی تأثیر می‌پذیرند. عموماً در کشورهای نفتی، دولت‌ها در زمان افزایش درآمدها، مصرف لجام گسیخته و بیش از حدی دارند، در اغلب مواقع هزینه‌های دولت بر اساس ظرفیت جذب اقتصاد تنظیم نشده و موجب وارد آمدن فشار بر اقتصاد ملی شده و ریسک تورم شتابان را افزایش داده و اثرات جبران ناپذیری بر سطح قیمت‌ها و دستمزدها بر جای خواهد گذاشت (مهدویان، ۱۳۸۵).

لازم به ذکر است به منظور بررسی تأثیر اثرات متقابل شاخص حکمرانی و منابع طبیعی بر نرخ تورم، این امر توسط حاصلضرب دو متغیر شاخص حکمرانی و منابع طبیعی در مدل گنجانده شده است. لازم به ذکر است هنگامیکه اثرات متقابل در مدل بررسی می‌شود، اثرات تکی هر کدام از متغیرها در مدل لحاظ نمی‌شود.

با توجه به مطالب ارائه شده در بالا و تبیین رابطه شاخص نهادی حکمرانی و تورم در بخش ادبیات موضوع، مدل در نظر گرفته شده در این بخش بصورت زیر است:

$$INF_{it} = C + \beta_1 * INFO_{it} + \beta_2 * (M - G)_{it} + \beta_3 * RES_{it} + \beta_4 * GG_{it} + \beta_5 * (RES_{it} * GG_{it}) + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

INF: شاخص قیمت مصرف‌کننده

INFO: شاخص قیمت مصرف‌کننده دوره قبل

G-M: تفاوت نرخ رشد نقدینگی با نرخ رشد اقتصادی

RES: مجموع مبالغ حاصل از فروش نفت، گاز، زغال سنگ، مواد معدنی و جنگلی

بصورت درصدی از تولید ناخالص داخلی

GG: شاخص نهادی حکمرانی. همانگونه که در مقدمه ذکر شد برای نشان دادن

این متغیر از شاخص‌های حکمرانی که توسط بانک جهانی ارائه گردیده است.

²⁰ Roffia and Zaghini

²¹ Fortun Vargas

²² Saumitra and Raja

استفاده می‌شود. بدین صورت که شاخص کلی بصورت میانگین حسابی از شش شاخص حاصل می‌شود. در ادامه برای بررسی دقیق‌تر، شش شاخص در سه گروه بصورت زیر طبقه بندی می‌شوند.

الف) فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند. این بخش از میانگین حسابی دو شاخص شفافیت و پاسخگویی و ثبات سیاسی بدون حضور خشونت حاصل می‌شود (X1).

ب) ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست. این بخش از میانگین حسابی دو شاخص اثربخشی دولت و کیفیت تنظیم‌گری مقررات حاصل می‌شود (X2).

ج) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند. این بخش از میانگین حسابی دو شاخص تأمین قضایی و کنترل فساد حاصل می‌شود (X3).

ε نشان‌دهنده جزء خطا، i نشان‌دهنده کشور و t نشان‌دهنده زمان است. همچنین مدل بصورت لگاریتمی بکار برده می‌شوند. لازم به ذکر است دوره زمانی مطالعه ۱۹۹۶-۲۰۱۵ بوده و تمامی داده‌ها از پایگاه بانک جهانی^{۲۳} (۲۰۱۲) گرفته شده است.

مطالعه حاضر بر اساس رویکرد بین کشوری است و از روش اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی^{۲۴} برای برآورد روابط استفاده گردیده است. استفاده از روش داده‌های ترکیبی با استفاده از آزمون لیمر بصورت زیر بررسی می‌شود:

$$F_{(N-1, NT-N-K)} = \frac{(R_{UR}^2 - R_R^2) / (N-1)}{(1 - R_{UR}^2) / (NT - N - K)} \quad (1)$$

در آزمون بالا R^2_R ضریب تعیین حاصل از مدل مقید (روش حداقل مربعات معمولی) و R^2_{UR} ضریب تعیین حاصل از مدل نامقید (روش داده‌های تابلویی) است. N تعداد واحدها، K تعداد متغیرهای توضیحی و T تعداد مشاهدات در طول زمان است. پس از تعیین استفاده از روش داده‌های ترکیبی، با استفاده از آزمون

²³ World Bank

²⁴ Panel Data

هاสมن یکی از روش‌های اثرات ثابت^{۲۵} و یا اثرات تصادفی^{۲۶} برای برآورد مدل بصورت زیر مشخص می‌شود (گرین^{۲۷}، ۲۰۰۵، ۲۹۸-۳۰۲).

$$H = \left[b_{FE} - \hat{\beta}_{RE(GLS)} \right]' \psi^{-1} \left[b_{FE} - \hat{\beta}_{RE(GLS)} \right] \quad (۳)$$

$$\psi = \text{Var}[b_{FE}] - \text{Var} \left[\hat{\beta}_{RE(GLS)} \right]$$

لازم به ذکر است در تمام برآوردهای مطالعه حاضر همانگونه که در جدول ۲ نشان داده شده است با استفاده از آماره F و هاسمن، استفاده از روش داده‌های ترکیبی به روش اثرات تصادفی تأیید می‌شود.

۴- برآورد مدل

هنگام کار با متغیرهایی که شامل داده‌های سری زمانی می‌شود، وجود ریشه واحد در این متغیرها ممکن است به نتایج رگرسیون‌های جعلی منجر شود و نتایج به دست آمده قابل اتکاء نباشند. از این رو قبل از هر گونه تخمین و تجزیه و تحلیل، باید ایستایی متغیرها بررسی شود. در مطالعه حاضر برای بررسی ایستایی متغیرها از آزمون‌های ریشه واحد فیلیپس-پرون-فیشر^{۲۸} (PP-Fisher) و آزمون لوین-لین-چو^{۲۹} (Levin) استفاده می‌شود. در این آزمون‌ها فرضیه H_0 دلالت بر نایستایی^{۳۰} متغیرها دارد. همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، تمام متغیرها در سطح ایستا هستند ($I(0)$).

جدول ۱: نتایج آزمون ایستایی متغیرها

در سطح				متغیر
با عرض از مبدا		با عرض از مبدا و روند		
PP-Fisher	Levin	PP-Fisher	Levin	
۷۷۵/۰۵***	-۲۰/۱***	۶۱۹/۳***	-۱۷/۳***	INF
۱۸۷/۳*	-۳/۶۹***	۱۶۴/۸	-۱/۳۸*	GG
۱۵۳/۴	-۲/۳***	۱۹۵/۶**	-۲/۷***	X1
۱۸۸/۲*	-۳/۹***	۲۰۶/۶**	-۲/۲**	X2
۲۱۵/۸***	-۴/۳***	۲۰۱/۹**	-۲/۰۶**	X3

^{۲۵} Fixed Effect

^{۲۶} Random Effect

^{۲۷} Greene

^{۲۸} Phillips-Perron-Fisher

^{۲۹} Levin-Lin-Chu

^{۳۰} Non-Stationary

۲۱۱/۳***	-۴/۹***	۱۷۸/۹	-۶/۵***	RES
۸۳۰/۳***	-۲۱/۸***	۷۳۸/۶***	-۲۱/۴***	M-G

*** و ** و * به ترتیب دلالت بر معنی‌دار بودن در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد دارد.

پس از بررسی ایستایی متغیرها و بدست آمدن این نتیجه که تمام متغیرها در سطح ایستا می‌باشند، مدل مورد نظر برآورد می‌شود. نتایج برآورد در جدول ۲ نشان داده شده است.

در جدول ۲ تأثیر متغیرهای مورد نظر بر نرخ تورم بررسی شده است. همانگونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، تأثیر متغیر شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ تورم (GG، X1، X2 و X3)، منفی و معنی‌دار است. این نتیجه با کارهای براون و دی‌تلا^{۳۱} (۲۰۰۴)، حیدر و همکاران^{۳۲} (۲۰۱۱) و بلک‌برن و پاول^{۳۳} (۲۰۱۱) همسو است. از جمله ویژگی‌های شاخص نهادی حکمرانی داشتن اهداف روشن و باثبات اقتصادی است، دولتی همراه با اتخاذ برنامه‌های اقتصادی بر پایه اصول اقتصاد دانش بنیان، با تغییر دولت‌های پی در پی نیز با مشکلاتی نظیر تضعیف عملکرد دولت که در افت شاخص نهادی حکمرانی و تشدید شاخص‌های بی‌ثباتی نظیر نوسانات نرخ ارز، تورم انتظاری فزاینده و افزایش بی‌رویه نرخ رشد نقدینگی نمایان می‌گردد، مواجه نمی‌شوند و در نهایت مشکلات ریشه‌ای در اقتصاد نظیر تورم دائمی و مخرب بوجود نمی‌آید. همچنین دولت و سیاستمداران اقتصادی از کانال تدوین قوانین و مقررات اثربخش، پایبندی به قوانین و اجرای دقیق قوانین و ایجاد سیستم قضایی مستقل، نه تنها با کاهش تخلفات، جرایم اقتصادی، حمایت مکفی از حقوق مالکیت و ممانعت از تضعیف حق و حقوق افراد جامعه، امنیت اقتصادی را حکم‌فرما خواهند نمود، بلکه با تصویب قوانین کارا و بهینه، زیربنایی اصولی و پایدار جهت تداوم فعالیت‌های اقتصادی بوجود می‌آورند. لذا در صورت بهبود کیفیت قوانین و مقررات اتخاذی، اقتصاد در مسیر تزلزل قرار نخواهد گرفت، کلیه عوامل اقتصادی و بازارها رویه باثبات و متناسبی را طی می‌نمایند و از بروز نوسانات قیمت‌هایی نظیر نرخ ارز و نقدینگی و تشکیل قیمت‌های حبابی و رانت‌خواری که به بروز تورم می‌انجامد، ممانعت به عمل می‌آید.

³¹ Braun and Di tella

³² Heidar et al

³³ Blackburn and Powell

متغیر دیگری که تأثیر آن بر نرخ تورم بررسی شده است، نرخ تورم انتظاری (INFO) است. همانگونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، تأثیر این متغیر بر نرخ تورم، مثبت و معنی‌دار است. این نتیجه با کارهای مهرا (۲۰۰۴) و راونا و سپالا (۲۰۰۷) همسو است. تأثیرپذیری برخی متغیرهای اقتصادی از جمله نرخ تورم از مقادیر گذشته آن (نرخ تورم انتظاری)، پدیده‌ای معقول بنظر می‌رسد. این امر هم در نظریه‌های مربوط به اقتصاددانان انتظارات عقلانی و هم در نظریه‌های اقتصاددانان انتظارات تطبیقی گنجانده شده است. از جمله مهم‌ترین زیان اقتصادی ناشی از تورم که خود منجر به افزایش نرخ تورم می‌گردد، عدم اطمینان از مقدار نرخ تورم در دوره‌های آتی است. نااطمینانی تورمی، فضایی است که در آن تصمیم‌گیران اقتصادی در زمینه‌های مختلف با نااطمینانی از نرخ تورم آتی همراه است. نوسان نرخ تورم به عنوان معیاری از نااطمینانی تورم یکی از عوامل تعیین‌کننده تکرار تغییرات قیمتی در سطح خرده‌فروشی می‌باشد. در شرایطی که نرخ تورم آینده به نااطمینانی نسبت داده شود، بنگاه‌ها به شرایط و وضعیت اقتصادی در امر قیمت‌گذاری حساس شده و علاوه بر افزایش قیمت ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی، افراد بطور ذهنی آماده افزایش بیشتر قیمت‌ها می‌باشند. بطوریکه در شرایط تورمی و نااطمینانی، قیمت کالاها و خدمات به دفعات بیشتری از طرف عاملین اقتصادی تعدیل می‌شوند. لذا فعالین اقتصادی با توجه به شرایط اقتصادی و نرخ‌های تورم سال‌های گذشته، نرخ تورم سال‌های آینده را پیش‌بینی نموده و انتظار نرخ تورم بالاتری را در ذهن خود دارند و همین تورم انتظاری منجر به بروز نرخ‌های تورم بالاتر می‌گردد. همچنین وجود انتظارات تورمی در سطح بالا، می‌تواند از کانال نااطمینانی و بی‌ثباتی باعث کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش عرضه و بوجود آمدن مازاد تقاضا گردد. این امر می‌تواند به افزایش نرخ تورم منجر گردد.

متغیر دیگر که تأثیر آن بر نرخ تورم در جدول ۲ بررسی شده است، شاخص ترکیبی است که از تفاوت نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد اقتصادی (M-G) حاصل شده است. همانگونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، تأثیر این متغیر بر نرخ تورم، مثبت و معنی‌دار است. این نتیجه با کارهای روفیا و زاقینی (۲۰۰۷)، فورتون‌وارگاس (۲۰۱۲) و سائومیترا و راجا (۲۰۱۲) همسو است. بیشتر اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک بویژه طرفداران

مکتب پولیون، عامل افزایش قیمت‌ها را صرفاً پدیده پول می‌دانند و کمتر از عوامل دیگر به عنوان عامل‌های تورم یاد می‌کنند. اما نباید این را نیز از خاطر برد که رشد اقتصادی از طریق افزایش تقاضا (درآمد افراد) می‌تواند منجر به افزایش عرضه پول گردد و برای تأمین افزایش تقاضا برای پول که ناشی از رشد اقتصادی باشد، عرضه پول نیز باید افزایش یابد. بنابراین می‌توان گفت افزایش نرخ رشد عرضه پول در صورتیکه بیشتر از نرخ رشد اقتصادی باشد، می‌تواند باعث تورم شود و هر چه این اندازه بیشتر باشد، تورم نیز شتابان رخ می‌دهد. لازم به ذکر است یکی از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه، وجود نرخ تورم بالا است که دلیل آن می‌تواند ناشی از افزایش عرضه پول در واکنش به کسری بودجه دولت باشد زیرا در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بانک مرکزی از استقلال کمی در اجرای سیاست‌های پولی و عرضه پول برخوردار است.

دیگر متغیر که تأثیر آن بر نرخ تورم در جدول ۲ بررسی شده است، متغیر ثروت‌های طبیعی است. همانگونه که در جدول ۲ نشان داده شده است تأثیر ثروت‌های طبیعی بر نرخ تورم مثبت و معنی‌دار است. این نتیجه با کارهای لیلانک و چین^{۳۴} (۲۰۰۴) و یو و همکاران^{۳۵} (۲۰۱۱) همسو است. در بیشتر کشورهای در حال توسعه که دارای منابع طبیعی فراوان می‌باشند، تکیه اقتصاد بر منابع ناشی از فروش این منابع است که گاهی اوقات از این منابع به عنوان عامل بازدارنده رشد اقتصادی یاد می‌کنند. در واقع مشکل اصلی در این کشورها، به مدیریت منابع حاصل از فروش ثروت‌های طبیعی است. به نحوی که اگر این منابع در راستای اصلاح ساختار اقتصادی صرف نشود و صرفاً منبعی باشد برای تأمین مخارج داخلی کشورها و نه مخارج سرمایه‌گذاری، شاهد افزایش تقاضای روزافزون بوده و می‌تواند نرخ تورم را افزایش دهد.

در مورد تأثیر متقابل ثروت‌های طبیعی و شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ تورم، همانگونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، این اثر متقابل مثبت و معنی‌دار است. در بررسی اثرات مستقیم ثروت‌های طبیعی و شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ تورم، دیدیم که اثرات آنها بر نرخ تورم به ترتیب مثبت و منفی

³⁴ Le Blanc and Chinn

³⁵ Wu et al.

است. در اینجا به نظر می‌رسد تأثیر مثبت ثروت‌های طبیعی بر نرخ تورم، تأثیر منفی شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ تورم را از بین می‌برد.

جدول ۲: تأثیر شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ تورم

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
C	۰/۰۵**	-۰/۰۱	-۰/۰۲	-۰/۰۱	۰/۰۵*	-۰/۰۱	-۰/۰۴	-۰/۰۱
INFO	۰/۵۶***	۰/۵۶***	۰/۵۶***	۰/۵۶***	۰/۵۶***	۰/۵۶***	۰/۵۶***	۰/۵۶***
M-G	۰/۰۱**	۰/۰۲**	۰/۰۱۸**	۰/۰۲**	۰/۰۱۸**	۰/۰۲**	۰/۰۱۹**	۰/۰۱**
RES	۰/۰۱***		۰/۰۱*		۰/۰۱***		۰/۰۱***	
GG	-۰/۰۵**							
RES*GG		۰/۰۱***						
X1			-۰/۰۳**					
RES*X1				۰/۰۰۹**				
X2					-۰/۰۵۶**			
RES*X2						۰/۰۱***		
X3							-۰/۰۵**	
RES*X3								۰/۰۱***
\bar{R}^2	۰/۶۶	۰/۶۵	۰/۶۶	۰/۶۵	۰/۶۶	۰/۶۵	۰/۶۶	۰/۶۶
تعداد کشورها	۷۹	۷۹	۷۹	۷۹	۷۹	۷۹	۷۹	۷۹
تعداد مشاهدات	۱۳۳۰	۱۳۳۰	۱۳۳۰	۱۳۳۰	۱۳۳۰	۱۳۳۰	۱۳۳۰	۱۳۳۰
F آماره	۳/۵۹***	۳/۶۴***	۳/۶۴***	۳/۶۲***	۳/۵۵***	۳/۶۵***	۳/۶۳***	۳/۶۵***
آماره هاسمن	۲۲۸/۲***	۲۳۲/۱***	۲۳۲/۹***	۲۳۰/۷***	۲۲۵/۳***	۲۳۲/۶***	۲۳۱/۳***	۲۳۲/۵***

* و ** و *** معنی‌داری در سطح ۱۰ و ۵ و ۱ درصد را نشان می‌دهند

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی

در این مطالعه تأثیر شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ تورم طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۵ برای کشورهای منتخب عضو گروه عدم تعهد با استفاده از روش داده‌های ترکیبی بررسی شد. در همین راستا از شاخص‌های حکمرانی که توسط بانک جهانی ارائه می‌شود، استفاده گردید. نتایج نشان‌دهنده این مطلب است که شاخص نهادی حکمرانی، تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ تورم در کشورهای مورد بررسی دارد. همچنین سایر متغیرها شامل تورم انتظاری، تفاوت نرخ رشد نقدینگی با نرخ رشد اقتصادی و ثروت‌های طبیعی، تأثیر مثبت و معنی‌دار بر نرخ تورم دارند. در مورد اثر متقابل متغیرهای شاخص نهادی حکمرانی و ثروت‌های طبیعی نیز تأثیر مثبت و معنی‌دار بر نرخ تورم دارد. به عبارت دیگر مدیریت حاصل از فروش ثروت‌های طبیعی بطور نامطلوب صورت گرفته است به گونه‌ای که حتی اثر منفی شاخص

نهادی حکمرانی بر نرخ تورم را نیز از بین می‌برد. با توجه به نتایج بدست آمده در این مطالعه و در راستای بهبود فضای رقابت‌پذیری اقتصاد، تحقق رشد اقتصادی مستمر و باثبات و مهار نرخ تورم، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به تأثیر مورد انتظار متغیر شاخص نهادی حکمرانی بر تورم، پیشنهاد می‌شود شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی (شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون حضور خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌گری مقررات، تأمین قضایی و کنترل فساد) بهبود و ارتقاء یابند. این کار می‌تواند با عدم تغییر راهبرد اقتصادی در مواقع تغییر رهبران سیاسی، زمینه را برای هر چه بیشتر رقابتی شدن اقتصاد و مهار تورم فراهم نماید.
- با توجه به اینکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه از ثروت‌های طبیعی برخوردارند، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران کلان اقتصادی در راستای تبدیل ثروت‌های تجدیدناپذیر به ثروت‌های تجدیدپذیر اقدام به هماهنگ نمودن سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های آموزشی، پژوهشی و نوآوری جهت بهبود ساختار اقتصادی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری و مهار نرخ تورم نمایند.

فهرست منابع:

- دلوری، مجید و راحله رفیعیان. (۱۳۹۱). بررسی روند تورم در استان‌ها و کل کشور طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۶۹، بررسی‌های بازرگانی، ۱۰(۵۲): ۸۰-۹۹.
- طیب‌نیا، علی و رضوان زندیه. (۱۳۸۸). اثرات فرآیند جهانی شدن بر تورم در ایران، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳(۳۸): ۵۳-۹۶.
- قلی‌بگلو، محمدرضا. (۱۳۸۷). تورم، نااطمینانی تورم و پراکندگی قیمت‌های نسبی در ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۳۱.
- قوام مسعودی، زهره و احمد تشکینی. (۱۳۸۴). تحلیل تجربی تورم در اقتصاد ایران (۸۱-۱۳۳۸)، پژوهشنامه بازرگانی، ۹(۳۶): ۷۵-۱۰۵.
- معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی. (۱۳۸۶). بررسی رابطه تورم و نقدینگی در اقتصاد ایران، وزارت بازرگانی، دفتر مطالعات اقتصادی، گروه مطالعه قیمت‌گذاری و سیاست‌های حمایتی.
- مهدویان، محمدهادی. (۱۳۸۵). بازنگری کارکرد و ساختار حساب ذخیره ارزی. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، گروه پژوهشی برنامه و بودجه.
- میری، هادی و علی چشمی. (۱۳۸۳). محاسبه هسته تورم در ایران، جستارهای اقتصادی، ۱۱(۱): ۱۲۷-۱۵۸.
- نصرافهانی، رضا و کاظم یآوری. (۱۳۸۲). عوامل اسمی و واقعی موثر بر تورم در ایران - رهیافت خود رگرسیون بردای (VAR)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران ۵(۱۶): ۶۹-۹۹.

Adnan, H., U.D. Musleh & Gh. Ejaz. (2011). Consequences of political instability, governance and bureaucratic corruption on inflation and growth: The case of Pakistan, MPRA, Working Paper No. 35584.

Al-Marhubi, F. (2000). Corruption and inflation, economics letters, 66(2): 199-202.

Andrews, M. (2008). The Good governance agenda: Beyond indicators without theory, Oxford Development Studies, 36(4): 379-407.

Asongu, S. (2012). Politics and consumer prices in Africa, MPRA, Working Paper No. 36174.

- Blackburn, K. & J. Powell. (2011). Corruption, inflation and growth, *Journal of Economics Letters*, 113(3): 225-227.
- Braun, M. & R. Di tella. (2004). Inflation, inflation variability and corruption, *Journal Economics & Politics*, 16(1): 77-100.
- Dadgar, Y. & R. Nazari. (2012). The Impact of Economic Growth and Good Governance on Misery Index in Iranian Economy, *European Journal of law and economics*, DOI 10.1007/s10657-012-9327-2.
- Fortun Vargas, J.M. (2012). Money Growth and Inflation: Evidence From Post-Inflation Bolivia, *Journal of Economic Policy in Emerging Economies*, 5(4): 353-366.
- Gisselquist, R. (2012). Good Governance as a Concept and why This Matters for Development Policy, *World Institute for Development Economics Research*, Working paper No. 2012/30.
- Greene, W.H. (2005). *Econometric Analyses (Fifth Edition)*. Macmillan Publishing Company, New York University.
- Heidar, A., M.U. Din & E. Ghani. (2011). Consequences of Political Instability, Governance and Bureaucratic Corruption on Inflation and Growth: The Case of Pakistan, *MPRA*, Working Paper No. 35584.
- <http://www.marxists.org/subject/africa/shivji/struggle-democracy.htm>
- Kaufmann, D., A. Kraay & M. Mastruzzi. (2007). *Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996– 2006*, World Bank Policy Research Working Paper 3630, Washington, DC.
- Khan, S.U. & O.F. Saqib. (2011). Political Instability and Inflation in Pakistan, *Journal of Asian Economics*, 22(6): 540-549.
- Khani Hoolari, S. M., A.A. Abounoori & T. Mohamadi. (2014). The effect of governance and political instability determinants on inflation in Iran, *MPRA*, Working Paper No. 55827.
- LeBlanc, M. & M.D. Chinn. (2004). Do High Oil Prices Presage Inflation? The Evidence From G-5 Countries, *Santa Cruz Center for International Economics*, Working Paper No. qt9rr929sm.
- Mehra, Y.P. (2004). The Output Gap, Expected Future Inflation and Inflation Dynamics: Another Look, *Federal Reserve Bank of Richmond*, Working Paper No. 04-06.
- Minea, A. & P. Villieu. (2008). Can Inflation Targeting Promote Institutional Quality in Developing Countries, Available at: <http://Aminea, P Villieu - The 26th Symposium on Money, Banking and ...>, 2009 - Univ-Orleans.fr.

- Mohamed Sami, B.A. & S. Seifallah. (2016). The corruption-inflation nexus: evidence from developed and developing countries. *Journal of Macroeconomics*, 16(1): 125-144.
- Rahmani, T. & H. Yousefi. (2009). Corruption, Monetary Policy and Inflation: A Cross Country Examination. Unpublished manuscript.
- Ravenna, F. & J. Seppala. (2007). Monetary Policy, Expected Inflation and Inflation Risk Premia, Bank of Finland Research, Discussion Papers No. 18:2007.
- Roffia, B. & A. Zaghini. (2007). Excess money Growth And Inflation Dynamics, *Journal of International Finance*, 10(3): 241-280.
- Sassi, S. & A. Gasmi. (2016). The Dynamic Relationship between Corruption–Inflation: Evidence from Panel Vector Autoregression. *The Japanese Economic Review*.
- Saumitra, B. & S. Raja. (2012). A Note on Excess Money Growth and Inflation Dynamics: Evidence From Threshold Regression, MPRA Paper No. 38036.
- Shivji, I. (2003). The Struggle for Democracy, Available at:
Tuladhar, A. (2005). Governance Structures And Decision-Making Roles in Inflation Targeting Central Banks, IMF, Working Paper No. 05/183.
- Williams, G. (2009). Good governance, in R. Kitchin and N. Thrift (eds.), *International Encyclopaedia of Human Geography*. London: Elsevier. 606-614.
- World Bank. (2012). <http://data.worldbank.org>.
- Wu, L., Li., j. & Zh.X. Zhang. (2011). Inflationary Effect of Oil-Price Shocks In an Imperfect Market: A Partial Transmission Input-Output Analysis, East-West Center, Working Paper No. 115.

پیوست:

پیوست ۱: اسامی کشورهای مورد مطالعه

الجزیره	گینه	پاکستان	چاد	مالزی	تانزانیا
آنگولا	هندوراس	پاناما	شیلی	مالی	تایلند
آذربایجان	هندوستان	پرو	کلمبیا	موریتانی	توگو
بحرین	اندونزی	فیلیپین	ساحل عاج	مائوریتوس	ترینیداد و توباگو
بنگلادش	ایران	قطر	جمهوری دومنیکن	مغولستان	تونس
بلاروس	جامائیکا	رواندا	اکوادور	مراکش	اوگاندا
بلیز	اردن	عربستان سعودی	مصر	موزامبیک	امارات متحده عربی
بنین	کنیا	سنگال	اتیوپی	نامیبیا	ازبکستان
بولیوی	کویت	سنگاپور	فیجی	نیپال	ونزوئلا
باستوانا	لبنان	افریقای جنوبی	گابن	نیکاراگوئه	ویتنام
بورکینافاسو	لسوتو	سريلانکا	گامبیا	نیجر	یمن
بروندی	لیبی	سودان	قنا	نیجریه	
کامبوج	ماداگاسکار	سوازیلند	گوآتمالا	زامبیا	
کامرون	مالاوی	سوریه	عمان	زیمبابوه	
